

توضیح: آن چه در زیر ملاحظه می کنید متن پیاده شده نوار گفتگو بین سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و سازمان مجاهدین خلق ایران (سال 1354) می باشد که از روی نوارهای صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفقای که در امر تبدیل گفتاری این مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.

چریکهای فدائی خلق ایران - دسامبر 2010

* * * * *

(نوار شماره شش - قسمت اول)

بهروز ارمغانی: این جنبش اعتراضی ماهیت گروهی دارند و اقشار مختلفی در این گروه ها شرکت می کنند. به نظر من بعضی از گروه ها هستند که به طور کلی یعنی با توجه به سوابق کار و پراکنجی که داشتن همیشه گفتش که در این ها این مسئله مبارزه با به اصطلاح مخالفت با مبارزه مسلحانه یک مسئله ای هست به اصطلاح پخته شده و با درک کامل منافع خودشون این موضع را گرفتند، ما اون ها را می گذاریم کنار

تقی شهرام: بله مثلا حزب توده

بهروز ارمغانی: مثلا حالا فرض کن .

تقی شهرام: سمبل اش اینه دیگه

بهروز ارمغانی: بله ، سمبل شون اینه به قول ...

تقی شهرام: اینه

بهروز ارمغانی: این ها رو بذاریم کنار و با این ها ما هیچ وقت به اصطلاح وحدتی هم نمی تونیم داشته باشیم. هر چند که این ها در چارچوب وحدت ضد دیکتاتوری هم بگنجد مثلا

تقی شهرام: خوب، که واقعا نمی گنجد ، اینا هم یعنی فقط صرفا در همان شاید مثلا بگیم در (نامفهوم...) ، مثلا حزب توده را هم ما نمی تونیم به صورت یک سازمان

بهروز ارمغانی: ضد دیکتاتوری هم بذاریم

تقی شهرام: آها، چون واقعا به سازمان پلیسیه، حتی پلیس توش نفوذ داره. یعنی ما واقعا این اطمینان را هم نداریم که پلیس توش نباشه، تو رهبریش نباشه حتی،

بهروز ارمغانی: بعد گروه های هستند که بعضی عناصر این ها

تقی شهرام: بله

بهروز ارمغانی: که عمدتا هم عناصر رهبری این گروه ها هستند ، اچنانا اگر گروه رهبری انسجاماتی داشته باشد چون بعضی ها هستند که اصلا به طور کلی حالت گروهی ندارند ، بلکه شکل به اصطلاح تجمع طبیعی افرادند. یعنی فامیل اند با هم یا مثلا دوست و آشناهای قدیمی اند، و هیچ به اصطلاح انسجام گروهی هم ندارند، حالا این ها هم به پروسه دیگه ...

تقی شهرام: صحیح .

بهروز ارمغانی: ولی اون گروه‌هایی که انسجام گروهی هم دارن عمدتا رهبری این گروه‌ها به اصطلاح بیشتر نزدیک به اون عناصر اولیه گروه بود، ولی کادرهای این گروه‌ها می‌تونن عناصری باشن که به قول تو که هنوز در مورد موضع خودشون جا نیافتادن

تقی شهرام: بله.

بهروز ارمغانی: و میشه با این‌ها با توجه به این که رهنمودهای ما به اصطلاح یا حتی پاره‌ای از در اختیار گذاشتن تجربیاتی که اونا از آگاهی بهش ندارن میشه در بین این‌ها افرادی به وجود بیاره که تمایل به مبارزه مسلحانه را هم درشون ایجاد کنه

تقی شهرام: درسته.

بهروز ارمغانی: و اتفاقا آگاه هم باشن به این قضیه که این تمایل درست در این رابطه است که این افراد خودشون ازاون آریستوکراسی کارگری نیستن

تقی شهرام: درست. آهان این نکته مهمه، هستن بین شون که در واقع جزو آریستوکراسی کارگری نیستن

بهروز ارمغانی: ولی در دام این آریستوکراسی افتاده اند

تقی شهرام: درسته آفرین

بهروز ارمغانی: ما می‌تونیم با مرزبندی این مسئله

تقی شهرام: بله

بهروز ارمغانی: که البته میشه با بحث‌های مفصل‌تر و با ارایه تجربیاتی در این مورد وجود داشته و این‌ها

تقی شهرام: بله

بهروز ارمغانی: می‌تونیم این مرزبندی را بکنیم که عمدتا نیروی مون رو صرف این گروه‌ها بکنیم، این افراد بکنیم.

تقی شهرام: خیلی خوب.

بهروز ارمغانی: و حالا

تقی شهرام: در شکلش فقط بحث می‌مونه، یعنی واقعا در محتوا ما هیچ اختلافی در این جا یعنی ما توافق داریم در واقع در مسئله این که باید با این‌ها فقط برخورد کرد و عناصر صحیح و درست حسابی شون رو از توشون جذب کرد و تحت چارچوب‌ها و هدف‌های خودمون سازمان شون داد، ببینید ما اصلی‌ترین هدف مون اینه، اینا را بیاریم نیروها شون رو جذب کنیم تحت هدف‌های مبارزه مسلحانه، اینا رو چکار کنیم سازمان بدیم هر چی بیشتر در واقع اینا را بکشونیم به این سمت در یک جریان چی؟ مبارزه و این جریان مبارزه باید در یک چارچوبی در یک شرایطی در یک شکلی صورت بگیره ما این شکلش رو پیشنهاد کردیم که آقا جون بیان در یک چارچوب جبهه‌ای، حالا شما می‌گید که این چارچوب جبهه‌ای واقعا به معنای اینکه به رسمیت می‌شناسیم خط اونا رو، نه، ما خط فاصله مون رو تعیین می‌کنیم تو این جبهه، اصلا امکان داشت بیرون شون...

حمید اشرف: قبل از تشکیل تعیین می‌کنین یا بعدش؟

تقی شهرام: تعیین می‌کنیم، تعیین می‌کنیم، قبل از تشکیل تعیین می‌کنیم. مشخصا قبل ازش، یعنی ما مسلما نمی‌تونیم با یک حالت در به سازمان مخدوش هر چند سازمان، سازمان واحد نباشه، یعنی به سازمان جبهه‌ای حتی به طور مخدوش شرکت کنیم. معنا نداره

بهروز ارمغانی: بدون مرزبندی همیشه به سازمان را شرکت کرد، مرز بندی لازمه

تقی شهرام: مرز بندی لازمه، یعنی اول باید در اصول چکار کنیم مرز بندی بکنیم، بگیم آقا این این این و شما هم این و این و این، حالا میایم مثلا تو به جبهه کار می کنیم و بعد این ضوابط هم باید رعایت بشه این برخوردها هم بشه و الا آخر، می دونی چرا برای این که ما از خودمون می دونی شک نداریم ببین ما معتقدیم ما مثلا تو، واقعا برخورد کردیم با اینا، ما هر چه بیشتر سعی می کنیم مثلا با عناصر بیشتر شون برخورد کنیم چون اینا مثلا میرن مثلا با یکی دو تا شون می خواد برخورد بشه و اینا ما مطمئن نیستیم که میرن به همه کادر شون حرف های ما را سیاسی کار ها منتقل می کنند چون نمی کنن واقعا، ما که از خودمون شک نداریم ما به اندازه کافی دلیل و فاکت داریم، دقت میکنی، حتی مثلا جالبه اینا همون متونی که مثلا ما گذاشته بودیم با یکی از اینا، اصلا "چه باید کرد" را گفتیم بخوونیم باش، گذاشتیم گفتیم باباجون بیا بشین "چه باید کرد" بخوونیم، اصلا ما با شما، اصلا نمی دونستن ما سازمانیم ها، یعنی هنوز فکر می کردن ما به گروه مارکسیستی ایم. بیا بشینیم مثلا "چه باید کرد" بخوونیم، تو همون "چه باید کرد" بهشون نشون می دادیم و نشون دادیم که چگونه نقطه نظرای اینا چیه، انحرافیه، اینا در واقع اکونومیست های خرده کاری بیش نیستن، یعنی منتهی اینو ما نمی تونیم، یعنی ما فقط دو نفرشون می تونیم، اما در به جبهه می تونیم درصد کل سازمان شون گروه شون بکنیم

بهرروز ارمغانی: ولی مهم تر از این مسئله که من گفته بودم تایید کردیم، این بود که ما بدونیم که اینا واقعا رابط با همون آریستوکراسی کارگری نیستن.

تقی شهرام: آخه اینو دیگه می دونی اینا ما مجبوریم به طور مشخص تحلیل کنیم

بهرروز ارمغانی: آهان همون دیگه به تحلیل مشخص از گروه های مشخص میشه.

تقی شهرام: بارک لله، خوب ولی این آیا قبلا معنایش آیا این نیستش که ما یک زمینه ای را بذاریم برای این که به جایی با اینا برخورد کنیم بعد آن وقت به طور مشخص بریم جلو و یقه شونو بچسبیم؟

حمید اشرف: اون جا اجتماع است (نامفهوم...)

تقی شهرام: هان؟

حمید اشرف: اجتماع ست

تقی شهرام: خب اجتماع ست، خیلی خوب.

حمید اشرف: اون جایی که با هاشون برخورد می کنید همون جایی ست که الان هم دارید برخورد می کنید.

تقی شهرام: باشه

حمید اشرف: و شما دارین "چه باید کرد" رو باهاشون می خونین، تاثیر می گذارین (نامفهوم...) و چقدر هم جالبه این کاری که می کنین.

تقی شهرام: بله، خوب ما این کارو داریم می کنیم ولی آخه به مسئله هست الان ما داریم این کارو می کنیم می دونی چه جوری داریم می کنیم گفتم به این عنوان (نامفهوم...) این طرفدارا با ما تماس می گیرند که ما جزو سازمان های مثلا مسلح نیستیم، فکر می کنید که مثلا به گروه اند و این گروه هم حالا الان با اینا برخورد می کنه (نامفهوم...) و هنوز هم

حمید اشرف: اتفاقا این کار خوبیه

تقی شهرام: و هنوز هم مثلا مشخص (نامفهوم...)

حمید اشرف: یعنی نتیجه عملی اش کاملا محرز و مورد تاییده در صورتی که شما بتونید این ها رو در عمل اگر عناصر صادقی باشن (نامفهوم...) واقعا

تقی شهرام: همین مسئله اتفاقا برای ما همین مطرحه، که ما بتونیم هر چه بیشتر عناصری از این، عناصری به اصطلاح واقعا (نامفهوم...) مساعدی که در درون این ها هستن و عمدتا کارگرای ساده را یعنی لامذهب کارگرای ساده شون هم که نمیان با ما بحث کنن، همون تیپ های روشنفکر شون میان، و جالب این جاست که اینا که خودشون واقعا تا مغز استخون روشنفکرن، این جنبش مسلحانه ایی ها رو، عجیب میگن اینا به مشت روشنفکرن، خیلی جالبه اینا به اعتبار مثلا فرضا هفت هشت ده ساعتی که میرن تو کارخونه کار میکنن، فکر می کنن که دیگه کمر گول رو شکستن و حالا دیگه مثلا صد در صد هم پرولتر شدن، نمیان که بگن نقطه نظر مثلا واقعا غیرپرولتری دارن، نمیان بگن تفکرات شون چقدر در واقع بورژوازی و چقدر به منافع بورژوازی خدمت می کنن، اینا رو نمی خواهن بپذیرن، ولی می دونید هنوز تنگه، یعنی هنوز این برخورد با این ها کوچک و تنگه، و ما می خواهیم شیوه های بهتر و اصولی تر و در واقع گسترده تری در پیش بگیریم، چرا چون قدرت داریم، ببینن اگر جنبش مسلحانه قدرت نداشت ما واقعا خیلی باید احتیاط می کردیم ولی به قول لنین کسی که از خودش اطمینان نداره از وحدت هم می ترسه، درست. بین وحدت اول باید اصول تعیین بشه، برنامه مشخص بشه بعدا به چارچوب می ذاریم برایش، ما که نمی ترسیم در واقع از برخورد با اونا ما چه ترسی داریم.

بهروز ارمغانی: آخه مسئله ترس نیستش، مسئله چیز دیگه ست

تقی شهرام: می دونم واقعا ترس نیست ها، می دونم شما هم نمی ترسید، ولی وقتی که ما می تونیم در واقع بریم و برخورد کنیم و در یک چارچوب وسیع تری، وسیع تر در واقع با اینا برخورد بکنیم و مبارزه ایدئولوژیک مان را گسترده کنیم در سطح اینا، چرا نکنیم؟

بهروز ارمغانی: خوب بین تو این مسئله برای من به سئوال پیش اومد در ارتباط با تو این جا که گفتی که چون به دلیل این که آن ها معتقد اند که شما سازمان مسلحی نیستین

تقی شهرام: آها

بهروز ارمغانی: اینا با شما حاضر به (نامفهوم...)

تقی شهرام: حالا البته ما ضرورت

بهروز ارمغانی: ولی واقعیت به چه شکله؟

تقی شهرام: هیچی

بهروز ارمغانی: یعنی اگر بدون قطع تماس می کنن؟

تقی شهرام: نمی دونیم

بهروز ارمغانی: هان این مسئله به مقدار

تقی شهرام: نمی دونیم، چون از نظر امنیتی اشکال داره قضیه

بهروز ارمغانی: نه حالا اونو کار ندارم، میگم که این مسئله به طور کلی به خرده خطوط اون جبهه رو روشن میکنه ها

تقی شهرام: که چی؟

بهروز ارمغانی: اگر واقعیت اینه که این گروه ها حتی حاضر با تماس با امثال مجاهدین نیستند

تقی شهرام: آخه تقصیر ماست، ببینن این ما، الان به دلیل امنیتی، ما نتونستیم این کار رو بکنیم این دلایل امنیتی داشت، طرف نمی خواست بگه که مثلا من عضو مجاهدینم

بهرروز ارمغانی: خوب آره ولی به غیر از دلایل امنیتی، چیز دیگه ای نداشت؟ یعنی اگر احیانا می گفت می گفت ما ارتباط مون رو قطع می کنیم یا نه؟

تقی شهرام: اینو ما نمی دونیم دقیقا. می دونی

بهرروز ارمغانی: آهان

تقی شهرام: اینو دقیق الان چون تجربه در مورد این گروه نکردیم.

بهرروز ارمغانی: بله

تقی شهرام: نمی دونم، دقیقا نمی دونم. شاید مثلا می گذاشت می رفت. شاید نمی رفت، شاید می گفت مثلا این برخوردش مثلا عوضی تر می شد، نمی دونم حالا اینو باید ما هنوز با اون رفقای رابط و اینا هنوز صحبت نکردیم که اگر این جور آدم ها بگن ما بگیم بهشون چی می گن، ولی منظور ما این جاست که اگر هم حتی اونا بذارن برن معنانش این نیست که ما ولشون کنیم، ما یقه شون نچسبیم، بذاریم برن در میرن از ما، امکان داره یه عده شون هم بذارن در برن، برای این که واقعا می ترسن، می ترسن، ضعف دارن ما نباید ولشون کنیم برن باید یقه شونو بچسبیم، چکار دارید می کنید شما؟ دارید خیانت می کنید؟

بهرروز ارمغانی: خب مگه میشه بشون گفت؟

تقی شهرام: نه خوب درست در یک چارچوب تئوریک

بهرروز ارمغانی: همون

تقی شهرام: در یک چارچوب سازمانی، در یک چارچوب تئوریک ببینید اینو می خواهم بگیم، والله ما به قول معروف ما کشته مرده این آدم نیستیم که بخواین مثلا فرض کن بیان برن تو کارخونه کار بکنن و یا مثلا یعنی واقعا چیزی هم نداریم یعنی حساب خرده ای هم باشون نداریم، یعنی قضیه این جاست که ما می خواهیم شیوه های صحیح مبارزه ی ایدئولوژیک رو واقعا دنبالش بریم و اون شیوه های صحیح که ما را به این طرف می رسونه پیدا کنیم نه این که این فحش و فحش کاری که گروه های خارج می کنن الان جاهایی هست دیگه، این قضایا ما اینیم حالا تو این بحث بریم جلو.

حمید اشرف: پس اگر برای شما امکان داشته باشه این خطوط رو با توجه به تجاربی که پیدا کردید و جمع بندی که دارید در چاپ دوم

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: اون جزوه اعلام مواضع

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: منعکس اش بکنید، فکر می کنم جنبه های مثبتی داشته باشه

تقی شهرام: والا ما راجع به چاپ دوم هنوز فرصتی یعنی چاپ می خواهیم بکنیم، قصد داشتیم یه مقدمه دیگه سرش بذاریم، یه سری باز مسایلی پیش اومد نشد، اگر که، از نظر یعنی می خواهیم بحث بکنیم، چون ما فکر می کنیم که اون کافیه، شما بگید اشکالاتش چیه، ما توضیح می دیم، تو این چاپ دوم حتما یه مقدمه می داریم، متوقفش می کنیم تا مقدمه زده بشه.

حمید اشرف: اشکالات اش که خوب اون در حقیقت چیز مشخصی نیست، فقط باید اول انگیزه ها، هدف هامون خیلی دقیق

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در رابطه با این مسئله جبهه واحد مشخص نکنیم.

تقی شهرام: بله خوب ما الان واسه همین اومدیم این جا نشستیم.

حمید اشرف: مرز بندی رو، مرز بندی نیروها رو، اولاً نیروهای موجود را تحلیل نکنیم و مرز بندی میان نیروها را مشخص نکنیم و شعارهای جبهه را هم مشخص نکنیم.

تقی شهرام: آخه این ها را من نمی تونم بکنم که، ما نمی تونیم بکنیم که عزیزم.

حمید اشرف: نه ببینید

تقی شهرام: این کار رو باید بشینیم (نامفهوم...)

حمید اشرف: شما در این جا پیشنهاد دهنده هستید

تقی شهرام: آهان باشه ببینین یه مسئله رو شما در نظر بگیرید ببینید رفقا یه مسئله رو در نظر بگیرید شما خوب می دونید ما هم خوب می دونیم که در وحله اول آن چه که اهمیت داره تو جبهه برای ما وحدت با شماست. این رو بدون هیچ رو در واسی می گیم، شوخی بردار که نیستش این قضیه، یعنی واقعاً برای ما وحدت با شما اصله، ولی معنانش این نیستش که اگر واقعا شما خواهان وحدت نباشید ما با نیروهای مبارز دیگه متحد نمی شیم، این هم هستش که وقتی می گیم وحدت با شما اصله در این مورد که اگر واقعاً نظرات شما برای ما خیلی، برای ما به اصطلاح قابل استماعه، یعنی می شنیم بحث می کنیم و قبل از این که حتی یعنی ما این امکان رو اگر اون مسائل پیش نبود یعنی شما مطمئن باشید که اگر قبل از این که یعنی ما این شعار این جبهه را بخوایم بدیم، اگر اون مسایل نبود و شما مواضع رو نمی گرفتید و یا حتی مثلاً اون شعارهای وحدتی که نوشتید و واقعا باز هم ما را متقاعد کردید که ما نمی تونیم با شما بحثی داشته باشیم، چون واقعا خیلی دور هستید از مواضع ما، حالا با همان نقطه نظرهای حتی غلطی که داشتید ما طرح می کردیم ما قبل از این که اعلام بکنیم اینو با شما طرح می کردیم و می گفتیم خوب حالا شما چی می گید ما خوب اون جا مسایل جبهه رو می گفتیم آقا ما یه چیزهایی می گیم، هیچ دلیلی نداره که حالا تمام ضوابطش همین باشه یا اصلاً ضوابط دیگه ای نخواهد داشته باشه، نه یه طرح، نه یه پیشنهاد شما یا هر کس دیگری هر نظری می خواهد داشته باشه، و ما با همین زمینه کار می کنیم یعنی فردا حالا با شما داریم واقعا یعنی مسئله خیلی روشنه، شما نظراتی دارید می گید واقعا یه جاش ایراده یا این ضوابط باید اضافه شه، ما اگه قبول داشته باشیم، بشینیم به توافق برسیم تو جا به جایی این ضوابط رو هم اضافه می کنیم، مسئله ای نیست از نظر ما

حمید اشرف: من فکر می کنم برای اینکه پاسخ بتون بدن نیروها به این جبهه

تقی شهرام: ضوابط اش باید معلوم تر بشه.

حمید اشرف: ضوابط اش باید معلوم تر بشه

تقی شهرام: آخر این

حمید اشرف: پاسخی نیروها نخواهند داد به این جبهه

تقی شهرام: چرا؟، مسلماً این طور نیست یعنی در واقع خوب یه پاسخ این طوری میدن که، با ما وارد یه سری مباحثاتی می شن و خوب این پاسخ معلومه که از درون این مباحثات به یک توافقی اگر رسیده بشه پاسخ میدن، این حتماً که نمی خوان یه چیز سند کتبی از ما بگیرن چون یه مسئله ای، تجربه اش تو ایران نیست، یه چیزیه که در واقع ما که نمی خواهیم حرف بزنیم فقط که ما دنبال اش هستیم داریم کار هم داریم می کنیم که به این به اصطلاح تئوری (نامفهوم...)

حمید اشرف: شما ... این جبهه ای که شما توصیه می کنید جبهه واحده

تقی شهرام: خیلی خوب

حمید اشرف: جبهه واحد یک معنی مشخصی داره، جبهه ای که تمام نیروها رو شامل بشه

تقی شهرام: آخه عملا ما می بینیم که نیروهایی که دارن مبارزه می کنند در ایران جبهه واحد مرکب از نیروهای واحد در جبهه نبرد، یعنی عملا اینا که دارن مبارزه می کنن با رژیم معلوم هم هست که چه کسانی هستند، جبهه معلومه، یه جبهه مبارزه امپریالیستی داریم ما، مبارزه ضدامپریالیستی معلومه، مرکب از نیروهای پرولتاریا مرکب از نیروهای خرده بورژوازی، جناح های مختلف اش، و یه مبارزه مثلا فرض کن اخیانا از جناح های مختلف اش دیگه مثلا مبارزه دهقانی و فلان اینا توش می گنجه، و همینیه و این جبهه خب اسم شو گذاشتیم واحد، معنای اینه یعنی این که همه نیروها می تونن وقتی علیه رژیم یه موضع اصولی مبارزه جویانه ای داشتند تو این جبهه بیان، آیا شما با این مخالف اید؟ یعنی اصلا با اصل واحد بودن جبهه مخالف اید؟ تو ایران مثلا چند جبهه باشه مثلا یه جبهه مثلا ضد فرض کنید که بورژوازی باشه، یه جبهه مثلا ضد امپریالیستی آمریکا باشه، یه جبهه مثلا ضد فرض کنیم سلطنت باشه چی، چه جوری چند تا جبهه می تونه باشه.

حمید اشرف: ولی ما معتقدیم با توجه به این که نیروهای طبقاتی هنوز در جامعه شکل گرفته نیستن و اقشار مختلف طبقاتی (نامفهوم...)

تقی شهرام: همین حرف و صحبت شماست در شعارهای وحدت

حمید اشرف: (نامفهوم...) به اصطلاح

چریکهای فدائی خلق ایران

www.siahkal.com

www.ashrafdehghani.com

e-mail: ipfg@hotmail.com